

متن پرسش

استاد سلام: در موضوع معرفت النفس ۱. وقتی ما عالم خارج را درک می‌کنیم و احساس می‌کنیم به صورت بدیهی وجدانی و بدون تفکر و توجه درک و احساس خارج بودن اشیا را داریم، اما موقعی که ناخودآگاه و بدون اختیار و اراده قبلی تخیل می‌کنیم و خطوراتی سراغ ما می‌آید به صورت بدیهی وجدانی درک و احساس درونی بودن تخیل را نداریم به جز اینکه توجه کنیم و به خود بیاییم که متوجه می‌شویم در خیالات بودیم، در صورتی که تنها وقتی که اختیارا و به خواست خودمان خیال کنیم، در همان لحظه تخیل، می‌دانیم در حال خیال کردیم، چرا این علم به درونی بودن تخیل و خطورات را در زمانی که تخیل و خطورات ارادی و آگاهانه و اختیاری نیست نداریم؟ آیا این به این دلیل است که آن خطورات و خیالات غیر ارادی و دفعتا و جبری حقیقتا از خارج از نفس من است، که یا القا شیطان است یا الهام ملک، و به خاطر همین ما آن خطورات و خیالات را درونی احساس نمی‌کنیم چون حقیقتا درونی نیست و نجوا و القا یا الهام است؟ ۲. حال اگر این خطورات و خیالات غیر ارادی و خارج از اختیار از جانب شیطان و ملک می‌باشد، چگونه می‌توان خطورات و خیالات و الهام های ملکی را بیشتر کرد و خطورات و خیالات و القائات شیطانی را به حداقل و حتی صفر رساند؟ متشکرم از شما استاد عزیز.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آری! همین‌طور است که می‌فرمایید. ۲. همین‌طور که در روایت از پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌واله» داریم: «إِنَّ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ»، آری! الهاماتی از مَلَك به ما می‌رسد همچنان که وسوسه‌ها و القائاتی از شیطان در «عُقَد» و اندیشه‌های ما در میان است ولی در هر حال آنچه مورد پذیرش و نپذیرفتن آنها می‌شود در درون ما است و زمینه‌هایش را ما فراهم می‌کنیم و از این جهت از اختیار ما بیرون نیست. موفق باشید